

علی شریعتمداری

استاد علوم تربیتی دانشگاه اصفهان

آموزش زبان

آموزش زبان در هر سطح جنبه‌ تربیتی دارد و باید از طریق تعلیم و تربیت صحیح صورت گیرد.

زبان را مانند هر امر دیگر میتوان بدون نقشه و بطور تصادف آموخت در این صورت فرد در اثر تماس با بزرگسالان و تقلید از آنها و تکرار آنچه میشوند یا میخوانند زبان را فرامیگیرد این نوع آموزش فاقد جنبه تربیتی میباشد. اما وقتی زبان طبق نقشه معین و با پیروی از هدفهای خاص و رعایت اصول یادگیری آموخته شود، در اینصورت آموزش زبان جنبه تربیتی بخود میگیرد.

هدفهای آموزش زبان

۱ - تشکیل مفاهیم :

فرد در هر دوره از تحصیل یا در هر مرحله از رشد با امور گوناگون مانند حوادث طبیعی، وقایع اجتماعی و افراد مختلف برخورد دارد. در اثر این برخورد ذهن فرد بفعالیت می‌پردازد و بتدریج بتشکیل مفاهیم اقدام میکند. در جریان تشکیل مفاهیم زبان نقشی خاص بعهده دارد. صورت و محتوی هر مفهوم که خود نتیجه برخورد فرد با محیط خارج هستند تا حدود زیادی تحت تأثیر زبان قرار دارند. جان دیوئی فیلسوف عالیقدر امریکائی در کتاب منطق تئوری تحقیق در صفحه ۴۵ در باره زبان میگوید :

زبان بطور مشخص جای و نقشی مهم در جریان پیچیده‌ای که بمحیط فرهنگی شکل میدهد دارد. زبان خود يك مؤسسه فرهنگی و از يك نقطه نظر مؤسسه‌ای در میان مؤسسات متعدد فرهنگی میباشد. اما زبان (۱) عاملی است که بوسیله آن مؤسسات دیگر و عادات کسب شده منتقل میشوند، و (۲) زبان در صورتها و محتویات دیگر فعالیتهای فرهنگی نفوذ دارد. علاوه بر این، زبان ساختمانی مخصوص بخود دارد که میتوان آنرا بعنوان يك صورت یا فرم تجرید نمود. و همین صورت یا فرم از لحاظ تاریخی در تشکیل نظریه منطقی تأثیر میکند. در هر دوره فرد با مفاهیمی خاص سرو کار دارد. بعنوان مثال در دوره کودکی مفاهیمی مانند بازی، عروسك، بابا، ماما، همبازی، شیرینی، میوه، خوراك، بیماری و... ذهن كودك را بخود مشغول میدارند. در دوره بچگی (۶ - ۱۲ سالگی) زندگی بچه جنبه اجتماعی وسیعتری بخود میگیرد و از این لحاظ مفاهیم تازه‌ای وارد ذهن او میشوند. همینطور شروع بتحصیل در زمینه‌های مختلف بچه را با مفاهیم تازه روبرو میسازد.

در دوره بلوغ مفاهیم مختلف علمی، اجتماعی، فرهنگی و همچنین مفهوم فلسفه زندگی و ارزشهای انسانی ذهن فرد را بخود مشغول میدارند. اینگونه مفاهیم خواه ناخواه در ذهن افراد تشکیل میشوند. حال باید دید وظیفه مربی در جریان تشکیل این مفاهیم چیست)

الف - مشخص کردن مفاهیم :

مفاهیمی که خود بخود و بدون آموزش صحیح در هر دوره در ذهن فرد تشکیل میشوند غالباً مبهم میباشند و تصویری روشن در اختیار فرد قرار نمیدهند کار مربی تحلیل مفاهیم و مشخص کردن آنها میباشد.

* * *

ب - ترکیب مفاهیم :

اموری که فرد با آنها سرو کار دارد غالباً پیچیده و از چند مفهوم تشکیل شده‌اند . وظیفه مربی اینست که پس از تحلیل مفاهیم و مشخص کردن آنها برای روشن کردن وضع مفاهیم پیچیده و مرکب ، به ترکیب مفاهیم بپردازد .
ج - ایجاد ربط منطقی میان مفاهیم .

مفاهیم پایه و اساس تفکر را تشکیل می‌دهند ، برای اینکه فرد بتواند از مفاهیم در جریان تفکر و استدلال استفاده کند باید میان آنها ربطی منطقی برقرار سازد . برای ایجاد ارتباط منطقی میان مفاهیم ، طبقه بندی کردن آنها و توجه بکلیت و جزئیات آنها و همچنین آشنائی بطرز استنباط یک مفهوم از مفهوم دیگر ضرورت دارد .

د - توجه بمفاهیم واقعی :

در تشکیل مفاهیم باید امور واقعی را مورد توجه قرار داد . از همان کودکی مفاهیمی موهوم و بی اساس در ذهن افراد تشکیل میشوند . کار مربی این است که به افراد کمک کند تا میان مفاهیم واقعی و مفاهیم موهوم فرق گذارند و استفاده از تجربیات روزمره و تحلیل دقیق آنها امور واقعی را از غیر واقعی تمیز دهند . در اینجا باید توجه داشت که امور واقعی با خارجی همانطوریکه هستند در ذهن منعکس نمیشوند . ذهن آدمی فعال است و در تشکیل مفاهیم دخالت میکند .

مفاهیم نتیجه تاثر متقابل ذهن و امور خارجی میباشد . روی این زمینه توجه بمفاهیم واقعی اهمیتی خاص دارد .

تشکیل مفاهیم بی اساس موجب نفوذ خرافات و موهومات در زندگی و افکار افراد میشود . برای مبارزه با خرافات و جلوگیری از پیدایش تعصبات

باید در تشکیل مفاهیم دقت کافی بخرج داد .

۲ - رشد قوه بیان :

یکی از هدفهای اساسی آموزش زبان رشد قوه بیان است . فرد پس از آنکه مفاهیم اساسی را در ذهن خود بوجود آورد و آنها را در يك زمینه منطقی ربطداد باید بتواند آنها را بصورتی صحیح یعنی طبق قواعد دستور زبان بیان نماید .

علاوه بر این ، مطالب چه در گفتن و چه در نوشتن باید در يك طرح منطقی قرار گیرند . بعبارت دیگر فرد باید آنچه را که پایه بحث او را تشکیل میدهد در مقدمه بیان کند و طبق اصول منطق نتایج ضروری را از مقدمات استنباط نماید . چنانکه در بررسی مبانی آموزش زبان خواهیم دید ، اساس تعلیم زبان استفاده از تجربه شاگردان و کمک بآنها در فهم آنچه میشوند و یا میخواهند میباشد . عدم توجه بتجربیات و دخالت نداشتن فهم در جریان آموزش زبان سبب بی میلی و ضعف شاگردان در صحبت کردن و انشاء نوشتن میباشد .

غالباً دیده میشود که شاگردان از نوشتن انشاء خودداری میکنند و ضمناً نمی توانند آنچه را که خوانده اند در حضور دیگران بیان دارند . در اینجا پاره ای از هدفهای نوشتن و صحبت کردن را از کتاب جامعه و تعلیم و تربیت صفحه ۲۱۶ و ۲۱۷ مبانی تربیت جدید تالیف نگارنده نقل میکنم .

۱ - رشد شخصیت اجتماعی بچه ها و ایجاد فرصتهای مناسب برای بیان

و ابراز عقاید در جمع .

۲ - آماده کردن بچه ها برای صحبت کردن در مقابل دیگران و گوش

دادن به حرفهای آنها . ۳ - کمک به بچه ها بمنظور اینکه بتوانند مقاصد

خود را بزبان معمول بیان کنند . بچه ها باید بتوانند مقاصد خود را بزبان

معمول بنویسند و در باره آنها بحث کنند .

۴ - کمک به بچه‌ها برای آشنائی بلغات بیشتر و حسن انتخاب کلمات در موقع بیان و درك و استعمال قواعد دستور زبان .

۵ - کمک به بچه‌ها برای فراگرفتن املاء لغات . در این زمینه باید تجربیات بچه‌ها را در نظر گرفت و لغاتی را که در زندگی روزمره و بررسی مطالب درسی مورد نیاز است به آنها آموخت .

ضمناً باید بچه‌ها را تشویق کرد تا موقع خواندن کتاب و سایر نوشته‌ها املاء صحیح لغات را بخاطر سپارند و با در نظر گرفتن ریشه و معانی لغات بتدریج املاء صحیح آنها را فرا گیرند .

۶ - در کلیه مراحل تدریس زبان چه خواندن و چه نوشتن و صحبت کردن باید تجربیات بچه‌ها را در نظر گرفت و آمادگی آنها را برای فراگرفتن مطالب خواندنی مورد توجه قرار داد .

مؤلف کتاب برنامه جدید ابتدائی آنچه را که در بیان کتبی و شفاهی مهم تلقی شده است در صفحه ۲۷۳ این کتاب نقل میکند .

در مورد بیان شفاهی فعالیت‌های زیر توصیه شده‌اند :

- ۱ - مکالمه غیر رسمی ۲ - بحثی که هدف خاصی را دنبال کند ۳ - پیغامها
- اعلانات ، آگهیها ، گزارشها ۴ - نمایش در اماثک ۵ - خواندن سرود بطور جمعی ۶ - مشاهده تفریحات جمعی ۷ - گفتن حکایت ؛ متلك (ژوك و معما)
- ۸ - هدایت كردن يك گروه و تحت هدایت قرار گرفتن ۹ - سخن پراکنی و گوش دادن براديو ۱۰ - سخنرانی در كلوپ و بكاربردن تلفن .

در زمینه نوشتن فعالیت‌های زیر توصیه شده‌اند :

- ۱ - نوشتن نامه ۲ - یادداشت برداشتن ۳ - تهیه گزارش و یادداشت وقایع روزانه ۴ - تهیه نوشته های خلاق (نثر و شعر) ۵ - رعایت آنچه در نوشتن لازم

است مثل ساختمان جمله ، نقطه گذاری و

۶ - نوشتن تجربیات خود ۷ - نوشتن برچسب، علائمها و آگهیها ۸ - پر کردن فرمهای مخصوص ۹ - توضیح دادن و هدایت کردن ۱۰ - نوشتن انتقاد در باره کتاب و مقاله و تهیه خلاصه ۱۱ - یادداشت نکتهها و تهیه رثوس مطالب. رشد قوه بیان در هر فعالیت تربیتی باید مورد توجه مربی باشد. بعنوان مثال در سخنرانی، گزارش، بحث و مناظره، نقل مطالب درسی، گفتگو با معلم یا شاگردان، در مکالمات روزمره باید رشد قوه بیان هدف اساسی را تشکیل دهد. ضمناً باید توجه داشت که رشد قوه بیان تنها در آموزش زبان مورد توجه نیست بلکه همانطور که در بالا گفته شد در هر فعالیت تربیتی و در هر درس باید این امر مورد نظر باشد.

۳ - ایجاد رشد اجتماعی :

زبان نه تنها يك پدیده اجتماعی و قهرآ مولود حیات جمعی است بلکه خود وسیله تحکیم حیات جمعی و گسترش آنست. تفهیم و تفهم پایه و اساس زندگی جمعی را تشکیل میدهد. هدف رشد قوه بیان در ساختن افراد بفهماندن مقاصد خود بدیگران و فهمیدن مقاصد دیگران است. چنانکه میدانیم ادامه حیات جمعی مستلزم همکاری افراد يك جامعه میباشد و شرط اساسی همکاری تفاهم میان افراد است. در هر جمعی افراد روی یکدیگر اثر میگذارند و هر فرد بنوبه خود در رفتار دیگران تأثیر میکند و تحت تأثیر دیگران نیز قرار میگیرد این امر در جامعه شناسی بعنوان جریان اجتماعی تلقی میشود و بصورت سازگاری اجتماعی، مخالفت، همکاری، توافق و تشابه ظاهر میگردد. در هر يك از این جریانهای اجتماعی زبان نقشی عمده بهعهده دارد.

علاوه بر این، انتقال میراث فرهنگی از نسلی به نسل دیگر و فهم آن از طریق زبان صورت می پذیرد. خلق افکار و عقاید تازه در زمینه های مختلف

و در نتیجه گسترش میراث فرهنگی با کمک زبان انجام میگیرد .

۴ - رشد طرز تفکر انتقادی :

هدف اساسی آموزش زبان رشد و توسعه طرز تفکر انتقادی در افراد است . حل مشکلات فردی و جمعی ، تجزیه و تحلیل افکار و عقاید و ارزیابی آنها ، خنثی ساختن آثار تبلیغات و خودداری از تلقین پذیری مستلزم بکار انداختن قوه تفکر و رشد قوه قضاوت صحیح یعنی قضاوت توأم با دلیل ، در افراد میباشد . بر خلاف آنچه منطبق بر تصور میکنند بحث الفاظ در بررسی قوانین فکر امری عارضی نیست . زبان ، همانطور که گفته شد ، در تشکیل مفاهیم ، در شکل دادن بعقاید و در نحوه تفکر ما تأثیر فراوان دارد . قالب کلمات و ساختمان جمله ها افکار و عقاید ما را تحت تأثیر قرار میدهند . روی این زمینه در هر مرحله از آموزش زبان چه در گفتن حکایت و داستان و چه در تحلیل و ترکیب مفاهیم و همچنین در ارزیابی معانی باید طرز تفکر انتقادی را در افراد پرورش داد .

۵ - ایجاد علاقه و عادت به مطالعه :

یکی دیگر از هدفهای اساسی آموزشی زبان ایجاد رغبت و میل بمطالعه در افراد است .

یکی از نقیصه های بزرگ تربیتی ما در هر سطح توجه نکردن باین امر میباشد . معمولا شاگرد خوب در هر سطح فردی است که کتابهای درسی را خوب بخواند و مطالب آنها را بخاطر بسپرد . میل بخواندن و عادت بمطالعه کتابهای غیر درسی بندرت در شاگردان دیده میشود .

در هر سطح شاگردان احتیاج بمطالعه مطالب غیر درسی در زمینه های تاریخی ، جغرافیائی ، اجتماعی و غیره دارند . اما توجه بمطالب درسی شاگردان را از مطالعه کتابهای غیر درسی باز میدارد .

مطالب درسی را نیز غالباً در کتابهای معین مطالعه میکنند و از بررسی منابع مختلف مربوط برشته‌های درسی خودداری نمی‌نمایند. محدودیت در مطالعه در زمان تحصیل سبب میشود که افراد پس از فراغ از تحصیل از مطالعه خودداری نمایند. همین امر باعث ناراحتی افراد پس از پایان تحصیل میشود آنها نمیدانند وقت خود را چگونه صرف کنند و از اینکه بتدریج آنچه را که در مدرسه آموخته‌اند فراموش میکنند ناراحت میشوند. عادت بمطالعه و میل بآن در جریان آموزش زبان این مشکل را حل میکند.

در جریان مطالعه تعیین مواد موضوع، انتخاب کتاب، تمیز میان حقایق و استنباطات مولف را باید در نظر گرفت. هدف مطالعه باید مشخص باشد. بالا بردن سطح اطلاعات در زمینه‌های عمومی و افزایش معلومات در رشته تخصصی یا موضوع معین و همچنین آشنائی بزنگی اقوام و ملل مختلف و توجه به مسائل روز مملکتی و جهانی و راه‌حلهائی که ارائه میشوند جزء هدفهای اساسی مطالعه میباشند. عادت به مطالعه نباید محدود بکتاب باشد، استفاده از مجله، سخنرانی و دیگر منابع نیز لازم است.

مبانی آموزش زبان

اساس آموزش زبان مانند یادگیری هر امری دیگر تجربه است. منظور از تجربه در اینجا جریانی است که در آن فرد و محیط او روی یکدیگر اثر میگذارند.

در جریان آموزش کل شخصیت فرد دخالت دارد. بعبارت دیگر فرد با تمام وجود در این جریان شرکت میکند. بنابراین علائق فرد، قدرت درک وی، آنچه او در گذشته آموخته، اجتماعات وی و طرز برخورد او با امور همه در زمینه‌ای مخصوص ترکیب شده و کل شخصیت فرد را بوجود میآورند و در جریان یادگیری دخالت میکنند محیط نیز از اشخاص، اشیاء، حوادث و ترکیب اینگونه امور تشکیل میشود.

آنچه در جریان تأثیر متقابل فرد و محیط رخ میدهد پایه و اساس آموزش را تشکیل میدهد. روی همین اصل گفته میشود.

آموزش زبان باید از تجربه آغاز شود. بعبارت دیگر آنچه بعنوان زبان آموخته میشود باید از علاقه قدرت درک، تجربیات گذشته و احتیاجات فرد سرچشمه گیرد و با آنچه در محیط میگذرد توافق کامل داشته باشد.

یادگیری یعنی تغییر رفتار از راه تجربه.

اگر آموزش زبان، طرز تلفظ فرد نحوه، صحبت کردن او، مهارت وی

در گوش دادن ، طرز بکار بردن کلمات و جمله‌ها در بیان او و همچنین طرز تفکر وی را تغییر داد در اینصورت گفته می‌شود او موفق با موختن زبان شده است. پس از روشن شدن مفهوم تجربه و یادگیری به بررسی اموری که در جریان آموزش زبان در هر سطح باید مورد توجه مربیان باشند می‌پردازیم .

اول - آمادگی : آمادگی یا داشتن رشد کافی شرط اصلی فراگرفتن امری است. فرد باید در زمینه بدنی و در جنبه‌های عاطفی ، اجتماعی و عقلانی رشد کافی داشته باشد تا بتواند امری را بیاموزد ، بعنوان مثال فرد باید از لحاظ قدرت دید ، نیروی شنوایی تشخیص رنگها و صداها و همچنین مهارت در گوش دادن و شنیدن سخنان دیگران و از نقطه نظر درک اشکال و مفاهیم و مهارت در ارتباط دادن اشکال و مفاهیم با هم باندازه کافی رشد کرده باشد تا بتواند بخواندن زبان اقدام کند . در زمینه عاطفی و اجتماعی فرد باید بتواند در فعالیتهای گروهی شرکت کند و از اجرای این امر لذت ببرد . در عین حال باید مهارتهای لازم در همکاری با دیگران را کسب کرده باشد و بتواند عواطف خود را در برخورد با دیگران بصورت مورد قبول ابراز دارد و بموقع آنها را کنترل کند .

نکته مهم از لحاظ تربیتی در زمینه آمادگی توجه باختلاف میان افراد است . افراد در زمینه‌های مختلف باهم تفاوت دارند و از این جهت آمادگی آنها برای آموزش امر تازه متفاوت میباشد . بعنوان مثال کودکی در ۴ - ۵ سالگی آماده برای آموزش خواندن و نوشتن است در صورتیکه کودک دیگر در ۷ - ۸ سالگی برای انجام این امر آماده میباشد .

مولفان کتاب اصول روانشناسی تربیتی امور زیر را در مورد آمادگی

برای خواندن موثر میدانند :

۱ - حساسیت خواص ۲ - ادراك شكل ۳ - رشد عقلائی برای تمیز و تشخیص
زبان از سایر اشکال رفتار ۴ - استعداد ارتباط معانی خصوصی با علامتهای
اختیاری ۵ - تمایل بفرآگیری خواندن و توجه بآن بعنوان يك عمل با ارزش
۶ - دارا بودن ثبات عاطفی برای دقت و تمرکز ۷ - رشد کافی اجتماعی که
ارتباط با دیگران را معنی و مفهوم بخشد و ۸ - رشد ذهنی باندازه‌ای که فرد را
بدرک روابط ساده قادر سازد.

دوم - تجربیات قبلی : یادگیری جریانی پیوسته و مداوم است و در طول

حیات فرد ادامه دارد.

آنچه فرد در گذشته آموخته پایه تعلیمات فعلی او را تشکیل میدهد و آنچه
در زمان حاضر می‌آموزد اساس آموزش آینده او است. پیوستگی و ادامه جریان
آموزش ایجاب میکند که مربی با آنچه فرد در گذشته آموخته توجه کند و تعلیمات
تازه خود را بر پایه آن قرار دهد.
در اینجا نیز توجه باختلافات فردی لازم است. شاگردی پیش از ورود
بدبستان خواندن و نوشتن را فرا گرفته و از کتابهای و مجلات استفاده کرده
است در صورتیکه شاگرد دیگر فاقد چنین تجربه‌ای است. شاگردی که مسافرت
نرفته و در خانه با دو یا سه نفر سرو و کار دارد و تجربیات او محدود میباشد
تفاوت دارد.

معلم در هر سطح می‌تواند با طرح چند سؤال متوجه اختلاف تجربه شاگردان
شده و از طریق بحث و تعیین تکلیف تا حدودی شاگردان را در يك پایه قرار
دهد و آنگاه تعلیمات تازه را شروع نماید.
نکته دیگر تناسب مطالب تازه با چیزهائی است که فرد در گذشته آموخته
است نظر باینکه آموزش امری پیوسته و مداوم است، مطلب تازه باید با مطالبی

که فرد در گذشته آموخته مربوط باشد و تجربه فرد بطور طبیعی سیر خود را ادامه دهد.

سوم - موقعیت یادگیری: زندگی روزمره فرد در هر سطح و آنچه در آن رخ میدهد زمینه آموزش را تشکیل میدهد.

معرفی لغات تازه، ارائه قواعد دستور زبان، بحث در باره انواع نثر و شعر، بررسی آثار نویسندگان و شعرا همه باید در موقعیت طبیعی مطرح شوند و مورد بررسی قرار گیرند.

آموزش زبان جدا از زندگی و مستقل از تجربه فرد جنبه تصنعی پیدا میکند و فهم آن برای او دشوار میشود.

آنچه در بازی میگذرد یا چیزهاییکه فرد در رادیو، تلویزیون، مجله و در برخورد بهمسالان و بزرگسالان با آنها سرو کار دارد موضوع آموزش زبان را تشکیل میدهند. در کلاس درس باید از همین امور در آموزش زبان استفاده نمود.

چهارم - فعالیت شاگرد: در جریان آموزش زبان شاگرد باید فعالانه شرکت کند. معلم با طرح سؤال میتواند شاگرد را بفعالیت وا دارد و از او بخواهد تا در هر زمینه از تجربیات خود استفاده کرده و در درک مطالب تازه کوشش نماید.

شاگرد ممکن است لغات تازه، قواعد جدید و سبکهای مختلف را مطرح سازد و با راهنمایی معلم خود بفرآ گرفتن آنها اقدام کند. طرح چند سؤال پیش از شروع درس و تشویق شاگردان بتهیه پاسخ برای سوالهای مورد بحث در این زمینه مفید میباشد.

بعنوان مثال وقتی معلم از شاگردان می پرسد: آیا در درس جدید لغات

تازه‌ای مطرح شده‌اند؟

آیا در مطالعه مطالب درسی بسبکی تازه برخوردار کرده‌اید؟ آیا میتوان يك مطلب را بعبارات گوناگون بیان نمود؟ شاگردان میتوانند شخصاً بمطالعه پرداخته و برای تهیه جوابهای لازم اقدام میکنند. در این زمینه نیز احتیاجات و علائق شاگردان را میتوان مورد توجه قرار داد و در انتخاب مطالب متناسب اقدام نمود. وقتی مطالب درسی متناسب با احتیاجات و علائق شاگردان باشد آنها شخصاً اقدام بذكر مطالب تازه نموده و در فعالیتهای آموزشی شرکت میکنند.

پنجم - طرح مطالب در ارتباط باهم: در آموزش هر موضوع و مخصوصاً

در آموزش زبان این سؤال مطرح است: آیا باید از کل شروع کرد یا جزء برای پاسخ دادن باین سؤال ابتدا باید مفهوم کل را روشن کرد.

کل عبارت است از نحوه ارتباط اجزاء باهم. در امور پیچیده مثل زبان ما با اجزائی که در يك طرح و زمینه باهم مربوط هستند سرو کار داریم. حروف در ضمن کلمات و کلمات در ضمن جمله‌ها و جمله‌ها در تجربیات بچه‌ها مطرح میشوند. در واقع همه اینها باهم ظاهر میشوند.

آموزش صدا همراه با تلفظ صحیح کلمات و همچنین تشخیص جمله و پاره جمله و کلمات باید با توجه بتجربه صورت گیرند.

بچه پیش از ورود بدبستان صداها مرتبه جمله‌هایی برای بیان آنچه دیده یا شنیده یا بعبارت دیگر تجربه کرده است و ادانموده است. معانی این جمله‌ها برای او روشن هستند. همانطور که بچه در زندگی حروف و صداها و کلمات و جمله‌ها را با هم درك میکند در آموزش زبان نیز باید اینگونه امور را در ارتباط باهم مطرح نمود و بتدریج بتحلیل آنها پرداخت چنانچه گفته شد بچه معنی و مفهوم جمله‌هائی را که بیان میکند درك مینماید.

اجزاء بدون ارتباط با هم معنای اصلی خود را از دست میدهند. روی همین اصل در آموزش خواندن و نوشتن باید از تجربه بچه شروع کرد. تجربه نیز بصورت جمله‌های ساده بیان میشود. بنابراین در تعلیم خواندن و نوشتن باید از جمله‌هایی که منعکس کننده تجربیات بچه‌ها باشند شروع کرد. ازین طریق است که آموزش زبان با فهم تزامن میشود و بچه آنچه را که می‌آموزد درک میکند. الفباء در ابتدا برای بچه‌ها معنایی ندارند. همینطور کلمات و پاره‌جمله‌ها نیز برای بچه مستقلاً فایده معنی هستند. بچه معنی الف را نمی‌فهمد. کلمه نیز برای او مفهومی ندارد. او هنوز نمیداند که هر کلمه برای معنایی خاص وضع شده است اما همانطور که گفته شد جمله‌های بابا آمد، بابا رفت، بابا خوابید ازین جهت که منعکس کننده تجربیات او هستند برای او با معنی میباشند همین جمله‌ها را میتوان تکرار کرد و بتدریج بچه آموخت که هر جمله دو جزء دارد بابا آمد بابا رفت. آنگاه هر جزء را جداگانه تلفظ نمود و بتدریج بچه آموخت که هر جزء نیز از دو بخش تشکیل شده است با و با. بعد بخش بار را نیز چند بار تلفظ کرد و بچه‌ها را متوجه اجزاء آن ساخت و بالاخره به بچه فهماند که با از دو جزء ب و ا تشکیل شده است. از این طریق بچه الفباء را یاد میگیرد، ضمن اینکه معنای آنها بعنوان اجزاء کلمه برای او روشن می‌باشد.

در کتاب راهنمای تدریس کتاب فارسی برای کلاس اول دبستان در پاورقی صفحه ۱۵ ضمن بحث در باره روش تدریس چنین نوشته شده است.

کتاب فارسی اول دبستان با روش معین (روش آمیخته) و پایدار نوشته شده است. این همان روشی است که اکثریت معلمان کلاس اول بان آگاهی دارند منظور از روش آمیخته آن است که اول کل کلمه تلفظ شود، بعد این کلمه به اجزاء آن یعنی بخشها و هر بخش به صداها تقسیم گردد و شکل هر صدای

جدید در قالب کلمه‌ای که قبلاً شاگردان معنی و مفهوم و تلفظ آن راه بخوبی یاد گرفته‌اند و بقیه حروف آنرا نیز آموخته‌اند تدریس شود.

در صفحه ۱۳ کتاب فارسی سال اول دبستان نیز آموزش از کلمه آب شروع شده است همانطور که در بالا گفته شد آموزش زبان باید با فهم همراه باشد فهم در اصطلاح روانشناسی و همچنین بعنوان عاملی موثر در یادگیری یعنی دیدن ارتباط اجزاء باهم یا مطالعه اجزاء در ارتباط باهم. چون بچه کلمه را بطور مستقل بکار نمیبرد و توجهی باین امر ندارد که کلمات برای معانی خاصی وضع شده‌اند بنابراین بهتر است که تعلیم خواندن را از جمله‌هایی ساده که بیان کننده تجربیات او باشند شروع کنیم و بتدریج جمله‌ها را بکلمات و کلمات را به بخشها و بخشها را بحروف تقسیم نمائیم- عین این جریان در آموزش صدا و نوشتن نیز ممکن است بکار رود. عبارت دیگر در آموزش صدا و نوشتن نیز ابتدا باید از جمله‌های ساده شروع کرد و بتدریج کلمات و بخشها را مشخص ساخت و آنگاه صدای حروف و شکل آنها را بنویسند تا بتوانند یاد بگیرند.

مؤلف کتاب آموزش جدید خواندن در فصل چهارم صفحه ۳۱ ضمن

تعریف «فونتیک» یا صداشناسی میگوید: «مطالعات فونیک» در آموزش زبان باید مستقیماً و بطور منظم و همچنین بطور اتفاقی آموخته شوند زمانی خواندن با آسانی و با معنی آموخته میشود که آنچه نوشته میشود همان چیزی را که بچه بطور شفاهی بکار میبرد ارائه نماید. بهمان دلیل، معلمان پیوسته باید دقت خود را متوجه واحدهای معنی دار و ترکیبات کلمه کنند تا بچه‌ها خواندن را بطور مؤثر بیاموزند.

ششم - قابلیت انتقال: هدف آموزش بطور کلی انتقال آنچه فرد آموخته از موقعیتی بموقعیت دیگر است. شاگرد باید آنچه را در کلاس می‌آموزد در

خارج از کلاس بکار بردن آنچه را در کتاب میخواند و میفهمد در روزنامه یا در يك سخنرانی نیز بتواند بفهمد. جریان انتقال در دوره‌های تحصیلی نیز باید صورت گیرد، آنچه از لحاظ تربیتی اهمیت دارد توجه به شرایط و عوامل مؤثر در انتقال میباشد. انتقال خود بخود صورت نمیگیرد. آنچه فرد در يك موقعیت میآموزد در شرایطی خاص بموقعیت دیگر قابل انتقال است.

۱- در آموزش زبان باید امور قابل تعمیم را مورد توجه قرار داد. مفاهیم کلی، قواعد اصول، مهارتهای لازم در مواقع مختلف و عادات مفید که در موقعیتهای متعدد قابل اجرا باشند قابل تعمیم هستند، در زبان و ادبیات بعنوان مثال ریشه لغتها، پسوند و پیشوندها، ساختمان جمله، انواع نثر، انواع نظم، چگونگی جمع بستن، تشکیل صفات مرکب و مانند اینها را میتوان جزء امور قابل تعمیم تلقی نمود. قابلیت تعمیم اینگونه امور استعمال آنها را در موارد مختلف ممکن میسازد بنابراین در آموزش زبان باید روی این نکته‌ها تکیه کرد و شاگردان کمک نمود تا مطالب کلی و قابل تعمیم را خوب بیاموزند و در موارد مختلف بکار برند.

۲- توجه به همانندیها - مشابهت و همانندی میان جمله‌ها، سبکها، مفاهیم و توجه باین مشابهت بسبب امری از موقعیتی بموقعیت دیگر میشود. بنابراین در آموزش زبان باید مشابهتهای میان قسمتهای مختلف مطالب را مشخص نمود و شاگردان کمک کرد تا اینگونه مشابهتها را دریافته و باسانی آنچه را در يك موقعیت آموخته‌اند در موقعیت مشابه بکار برند.

۳- رشد قوه تعمیم: در مطالعه زبان باید قدرت تعمیم داشته باشد. وقتی آموزش زبان بافهم توأم باشد و قدرت قضاوت شاگرد را تحریک کند بتدریج آموزش از صورت محدود خارج شده و شاگرد میتواند

آنچه را که در يك موقعیت آموخته بموقعیتهای دیگر تعمیم دهد گاهی قدرت تعمیم ، شاگرد را قادر میسازد که خود شخصاً چیزهای تازه را بیاموزد ، وقتی شاگرد متوجه ریشه لغت مخصوص شد و فهمید که از این ریشه میتوان لغتهای مختلف درست کرد اگر قدرت تعمیم داشته باشد متوجه خواهد شد که بسیاری از کلمات از يك ریشه درست میشوند و بمحض اینکه ریشه ریشه را شناخت میتوانند خود بساختن کلمات مربوط بآن اقدام کند .

۴ - قدرت تحلیل : در مطالعه زبان یادگیرنده باید قدرت تحلیل داشته باشد . تشکیل مفاهیم ، مشخص کردن آنها ، درک ارتباط میان مفاهیم ، توجه بمشابهتها و کلیت مفاهیم وقتی صورت میگیرند که یادگیرنده قادر بتحلیل مطالب باشد .

بنابراین یکی دیگر از شرایط انتقال قدرت تحلیل یادگیرنده است . در این باره مربی میتواند بشاگرد کمک کند تا پس از درک هر مطلب بطور کل بتحلیل آن پردازد و اجزاء آن را مشخص کند .

هفتم - وسائل سمعی و بصری : استفاده از وسائل سمعی و بصری مانند تصویر ، فیلم ، اسلاید ، ضبط صوت ، رادیو تلویزیون و مانند اینها در آموزش زبان تأثیر دارد . در بکار بردن وسائل باید با تجربیات شاگردان تناسب داشته باشند ، مثلاً نشان دادن تصویر موقعی سودمند است که آن تصویر با تجربیات مربوط باشد ، در کتاب فارسی سال اول دبستان از تصویر استفاده شده است تصویر اول ، کلاس درس را نشان میدهد و از شاگردان میخواهد که درباره آن بحث کنند ، بچه ای که تازه وارد دبستان میشود امکان دارد در کودکستان هم تربیت نشده باشد از وضع کلاس و نقش معلم و شاگرد چندان مطلع نیست تصویر پنجم که زندگانی دو کودک را نشان میدهد تناسب بیشتری با تجربیات

بچه‌ها دارد و آنها بهتر میتوانند در باره آن صحبت کنند . دوم اینکه وسائل
سمعی و بصری باید با معنی باشند . نشان دادن يك تصوير يا يك فيلم يابك نمايش
وقتی مفید است که برای شاگرد با معنی باشد . سوم اینکه استفاده از وسائل
سمعی و بصری باید در موقع مناسب صورت گیرد گاهی دیدن يك تصوير برای
تکمیل آموزش مفید است ولی در موردی خاص مشاهده همین تصوير ممکن
است سبب گمراهی یا ابهام یادگیری شود .

نکته آخر اینکه وسائل سمعی و بصری باید در کامل ساختن آموزش

مؤثر باشند .



شهر شکارگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

REFERENCES

1-Commins ' D . W . & Fagin Barry - Principles Of Educational Psychology .
2nd Ed New York
Ronald Press Co . , 1954

2- Cutts G . Warren - Modern Reading Instruction .
New York . The Central For Applied Research in Education ,
Inc . , 1964

3- Dewey John - Logic - The Theory Of Inquiry . New
York . Henry Holt & Co . , 1938

4 - Herrick E . Virgil et Al . the Elementary School
Englewood Cliffs . Prentice - Hall , Inc . 1956

5- Ragan B . William - Modern Elementary Curriculum
New York . The Dryden Press , Inc . 1953 .

۶ - روانشناسی تربیتی تألیف دکتر علی شریعتمداری چاپ اصفهان = کتابفروشی

مشعل چاپ سوم ۱۳۴۴

۷ - جامعه و تعلیم و تربیت - مبانی تربیت جدید تألیف دکتر شریعتمداری چاپ

اصفهان کتابفروشی ثقفی چاپ سوم ۱۳۴۸